

بزرگ چهنو

روایت نزدیکان و دوستان از زندگی شهید محمد علی حنایی

مهدی الهی فرد

مصحح: مرتضی اسماعیلی

الهی فرد، مهدی، ۱۳۶۰.
بزرگ چهنو: روایت نزدیکان و دوستان از زندگی شهید محمدعلی حنایی
مهدی الهی فرد
انتشارات بوی شهر بهشت، ۱۳۹۵
شابک: ۸-۰۹۱-۳۷۰-۶۰۰-۹۷۸
عنوان دیگر: روایتی کوتاه از زندگی شهید محمدعلی حنایی
موضوع: حنایی، محمدعلی، ۱۳۵۷-
۱۳۹۵ الف ۷ ح ۹ / ۱۵۳۳/۵ DSR
۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
۴۳۵۴۹۵۹

بزرگ چهنو

روایت نزدیکان و دوستان از زندگی شهید محمدعلی حنایی

مهدی الهی فرد
ویرایش: علیرضا ابرق
آماده سازی پیش از چاپ: نشر سیدالمرادان
چاپ اول، ۱۳۹۵-۱۰۰۰
شابک: ۸-۰۹۱-۳۷۰-۶۰۰-۹۷۸
آدرس: میدان امام حسین علیه السلام، خواجه ربیع ۷-۳۱۴۲۹۱۰۳
پخش: پاتوق کتاب، ۱۱۹-۳۲۲۳-۵۱
شهر کتاب، ۲۶-۳۷۱۳۹-۵۱



فهرست

۷	دیاچه
۹	بزرگی چهنو
۲۵	خمینی نداشتیم!
۳۳	شهادت عکس
۴۰	روز محاکمه
۵۵	پیوندی دوباره
۶۳	تصاویر

دیباجه

دوازده آذر ۱۳۹۴ است و قرار است از بهیدی بنو بسم که رژیم پهلوی در چنین روزی در سال ۱۳۵۷ مغزش را متلاشی کرد نافره از خردمان ملتی را خاموش کند که علیه ظلم و فساد به پا خواسته بود؛ اما شد آنچه از نگاه رژیم نباید می شد! گویا محمدعلی حنایی آن روز در چشم حسین معین ملای بابایی، فرمانده نظامی مشهد، بسیار بزرگ جلوه کرده بود و اندیشه اش بسیار خطرناک! برای همین مغزش را هدف گرفته و او را بی سر کرده بود. بیچاره نفهم بود که دوم محرم است و مردم سال هاست در چنین ایامی برای حسین سر جدا اش ریخته، بر سر و سینه زده و از عمق وجوشان فریاد می زنند: یا لَیْتَنَّا کُنَّا مَعَكُمْ فَتَفُوزُ فَوْزاً عَظِیْماً.

آری، از آن روز دیگر حنایی سر جدا، کاسپ ساده محله نبود؛ او یک رهبر بود؛ رهبری که به گفته شاهدان عینی، لباس خونی و مغز متلاشی و پیکربندی سرش، هریک جداگانه، پرچم هدایتی برای مردم شهر شده بود. حنایی آن روز حسابی

زیبا شده بود! یکی بود و شده بود سه و این سه شده بود هزاران هزارا عده ای دور لباس خونی او جمع شده، عده ای مغز او را درون نایلونی گذاشته، گروهی نیز اطراف زیان حامل بدن بی سراو می دویدند و علیه دستگاه جبار پهلوی فریاد می زدند و برای حسین بن علی علیه السلام اشک می ریختند و حنایی را به او تشبیه می کردند.

حالا بعد سی و اندی سال، تقدیر چنین رقم خورده که در قالب خاطرات گذشته شده در کتاب ظهور کند و قلب های خفته ما را رهبری کند.